گفت‌وگوی «جوان» با پدر شهید وعدالله حسن‌المنصوری که در دفاع از حرم حضرت زینب (س) به شهادت رسید

پسرم را به میدان فرستادم تا همیشه زنده بماند

اشرف فصیحی دستجردی

شـــهید وعدالله منصوری، از شهدای مقاومت عراق متولد سال ۱۹۹۱ میلادی در شهر دزفول ایران بود. او از جوانانی بود که با شنیدن خبر حمله گروه تروریستی داعش به حرم حضرت زینب (س)، تصمیم گرفت برای دفاع از این مکان مقدس راهی سوریه شود. او که در آستانه تشکیل زندگی مشترک قرار داشت، قرار بود پس از بازگشت از مأموریت، مراسم عروسی خود را برگزار کند، اما سرنوشت دیگری برایش رقم خورد. وعدالله به عکاسی و فیلمبرداری علاقه زیادی داشت و حتی در روزهای حضور در جبهـــه نیز دوربینش را همراهش می‌برد و از دوســـتان و همرزمان خود تصویربرداری می‌کرد. ســـرانجام در دوم می سال ۲۰۱۴، هنگام دفاع از حرم حضرت زینب (س)، هدف گلوله تک‌تیرانداز قرار گرفت و به شـــهادت رسید. حسن، حسن‌المنصوری پدر شـــهید هم از مبارزان الحشدالشعبی اســـت که در عملیات علیه داعش حضور داشته است. این گفت‌وگو در شهر سفان عراق و با مساعدت الحشدالشعبی عراق ثبت شده است.



شهید وعدالله حسن‌المنصوری

ابتدا از فرزند شهیدتان وعدالله و ویژگی‌های شخصیتی و زندگی او برایمان بگویید.

وعدالله متولد سال ۱۹۹۱ میلادی در شهر دزفول بود. آن زمان ما برای مدتی راهی ایران و شهر دزفول شده بودیم که فرزندمان در آنجا متولد شد. وعدالله متأهل شده بود و قرار بود پس از بازگشت از سوریه، مراسم عروسی‌اش را برگزار کنیم. او در دوره پیش‌دانشگاهی تحصیل می‌کرد که خبر حمله داعشـــی‌ها به حرم حضرت‌زینب (س) را شنید و به همراه دوستانش برای دفاع از حرم راهی سوریه شد. وعدالله علاقه زیادی به عکاسی و فیلمبرداری داشت. حتی پیش از پیوستن به سپاه بدر نیز به این کار علاقه‌مند بود و در سوریه هم دوربینش را همراه داشت و از دوستان و همرزمانش فیلم و عکس تهیه می‌کرد. فرمانده‌اش پس از شهادت او گفته بود که احساس می‌کند پسر خودش را از دست داده است. همرزمان و مردم نیز همواره از اخلاق خوب، ادب و شوخ‌طبعی او تعریف می‌کردند. خدا را شکر می‌کنم که این قربانی را پذیرفت و فرزندم را در راه خودش به مقام شهادت رساند.

فرزندتان چند بار به سوریه اعزام شد و سرانجام در کدام مأموریت به شهادت رسید؟

نخستین بار در سال ۲۰۱۳ همراه همرزمان و مجاهدان برای دفاع از حرم به سوریه رفت. پس از انجام مأموریت و بازگشت به عراق، مدتی در مرخصی بود. بار دوم که به سوریه اعزام شد، به شهادت رسید. وعدالله پیش از اعزام، برای مطرح کردن موضوع از مادرش خجالت می‌کشید. به من گفت شـــما با مادرم صحبت کنید و رضایت او را بگیرید. وقتی موضوع را با همسرم مطرح کردم، ابتدا قبول نکرد. می‌گفت من باید اول داماد شدن پسرم را ببینم. به او گفتم اگر فرزندمان برای دفاع از حرم حضرت‌زینب (س) نرود، در برابر آن حضرت و حضرت‌عباس (ع) چه پاسخی خواهیم داشـــت؟ مگر حضرت قاسم و حضرت علی‌اکبر (ع) ازدواج نکرده بودند و در راه خدا به شهادت نرسیدند؟ سرانجام همسرم رضایت داد و وعدالله در روز هفتم محرم راهی سوریه شد.

خبر شهادتش را چگونه دریافت کردید؟

همان روزی که وعدالله به شهادت رسید، می‌دانستم که عملیات در جریان است. حدود ساعت ۱:۳۰ ظهر بود که ناگهان احساس کردم تیری به قلبم اصابت کرده است. حالم به‌شدت دگرگون شد. همسرم از من پرسید چه اتفاقی افتاده اســـت و چرا اینقدر حالم تغییر کرده؟ به او گفتم چیزی نیســـت. حدود ۲ تا ۳ ساعت بعد، خبر شهادتش را به ما دادند. وقتی دوستانش برای اعلام خبر شهادت به ســـراغمان آمدند از گفتن این خبر نگران و مضطرب بودند، اما وقتی گفتند فرزندمان شهید شده است، گفتم خدارا شکر، الحمدلله که به شهادت رسید. ما با فرهنگ شهادت متولد می‌شویم، با همین فرهنگ زندگی می‌کنیم و آرزو داریم که در این مسیر شهادت (ع) به ما رسیده اســـت و همچنان با خون‌هایی که در این مسیر ریخته می‌شود زنده می‌ماند. حالا هم خدا را شاکر هستیم که این افتخار را پیدا کردیم که عضوی از خانواده بزرگ شهدا باشیم. از زمانی که خبر شهادت فرزندم را شـــنیدم تاکنون با همین افتخار به زندگی ادامه می‌دهیم.

پیکر شـــهید به عراق منتقل شد یا در همان سوریه ماند؟

نه به عراق منتقل شـــد و پیکر فرزندم را در وادی‌السلام نجف به خاک سپردیم. همسرم تا دو سال پس از شهادتش مرتب به گلزار شهدا و مزار فرزندمان می‌رفت. همیشه دعا می‌کرد که خداوند او را نیز در همان آرامستان و در کنار پسرش دفن کند. سرانجام پس از دو سال از دنیا رفت و در کنار مزار فرزند شهیدش به خاک سپرده شد.

> **یکی از سفارش‌های مهم شهیدمان، مراقبت از مادرش بـــود. او به مادرش علاقه زیادی داشـــت و در وصیت‌نامه نیز بر نگهداری و مراقبـــت از او تأکید کرده بود. همسرم نیز خیلی دوست داشت پس از دو سال که مرتب به زیارت مزار پسرمان می‌رفت، به رحمت خدا رفت و اکنون در کنار فرزند شهیدمان آرام گرفته است**

بنابراین مادر شهید نتوانست دوری فرزندش را تاب بیاورد؟

بله همینطور است. همسرم در طی آن دو سال هیچ وقت نتوانست دوری از فرزندمان را تاب بیاورد. همواره به مزار او می‌رفت و عاقبت نیز به فرزند شهیدمان پیوست.

از چگونگی شهادتش و ماجرای انتقال پیکر او چه خاطره‌ای دارید؟

وعدالله دوربین فیلمبرداری را روی کلاهش نصب کرده بود. زمانی که از روبه‌رو هدف گلوله تک‌تیرانداز قرار گرفت، همان دوربین لحظه اصابت گلوله را ثبت کرد. پیکرش بین نیروهای خودی و دشـــمن قرار گرفته بود و همرزمانش نمی‌توانســـتند بلافاصله او را به عقب منتقل کنند. پس از مدتی توانستند پیکرش را به عقب بیاورند و سپس به عراق منتقل شد. پیکر فرزندم در شش شهر تشییع شد. حتی پیش از رسیدن به نجف، او را به ناصریه بردند و در آنجا نیز مراسم تشییع برگزار شد. خدا را شکر می‌کنم که چنین افتخاری نصیب فرزندم شد.

واکنش اطرافیان به تصمیم شـــما برای اعزام فرزندتان به سوریه و شهادت او چه بود؟

بعضی افراد به ما طعنه می‌زدند و می‌گفتند خودتان مقصر هستید! چرا فرزندتان را به سوریه فرستادید؟ من در پاسخ می‌گفتم فرزندم را فرستادم تا همیشه زنده بماند. بهتر از این بود که در همین شهر خبر تصادف، کشته‌شدن یا فوت او در بستر را به من بدهند. حالا او زندگی ابدی دارد و زنده است. ما چیزی نیستیم خوشا به حال خودش که چنین سعادتی نصیبش شد. امروز هم وقتی برای زیارت حرم حضرت ابوالفضل (ع) می‌رویم با سربلندی حضور پیدا می‌کنیم. خوشحالیم که برای دفاع از خواهر ایشان، حضرت زینب (س)، یکی از اعضای خانواده خود را تقدیم کرده‌ایم و امیدواریم در پیشگاه این خاندان سربلند باشیم.

گویا فرزند شهیدتان علاقه زیادی به جمهوری اسلامی ایران داشت؟

بله همینطور است. وعدالله علاقه بسیار زیادی به جمهوری اسلامی ایران داشـــت و به رهبر شـــهید انقلاب ارادت می‌ورزید. شـــهید در ایران متولد شده و در همین کشور تحصیل کرده بود. دو ســـال نیز در قم به تحصیل علوم حوزوی پرداخته بود. او خادم حرم سیدالشهدا (ع) بود و به هیئت و سینه‌زنی علاقه زیادی داشت. هر وقت دنبالش می‌گشتیم، می‌دانســـتیم که احتمالاً در هیئت مشغول عزاداری است. عاشق امام حســـین (ع) و اهل‌بیت بود و خدا را شکر می‌کنم که در جوانی به مقام شهادت رسید. امیدوارم شهدا که نزد پروردگارشان روزی می‌خورند، در آن دنیا شفیع ما باشند.

چه توصیه‌ای به جوانان و نسل امروز دارید؟

جوانان نباید فرصت‌های خدمت به دین و مبارزه در راه حق را از دست بدهند. باید از بزرگان دین و رهبران خود پیروی کنند و در خدمت اسلام باشند. یکی از نعمت‌ها و رحمت‌های الهی، باز بودن باب شـــهادت اســـت. این در همیشـــه به روی بندگان خاص خداوند باز است. در دوران جنگ با رژیم بعث و پس از آن در مبارزه با داعش، فرصت‌های بزرگی برای مجاهدت و دفاع از حق فراهم شد و نباید تصور کنیم که این در پس از پایان جنگ با داعش بسته شده است. امیدواریم خداوند فرزندمان را در زمره ســـربازان امام زمان(عج) قرار دهد و ما نیز در آن دنیا در پیشگاه خداوند سربلند باشیم. ما در بررسی زندگی شهدا به موضوع‌های مشترکی می‌رسیم. به دلبستگی آنها به مسیری که شهدا طی کردند. از امام حسین(ع) تا شهدای دیگری که در مســـیر دفاع از حق قدم برداشتند. فرزند شهیدم هم همین مسیر را دنبال کرد و به شهادت رسید. آنهایی که شهادت روزی‌شـــان می‌شود لیاقت آن را پیدا می‌کنند و کسانی هم که شـــهادت روزی‌شان نمی‌شود امری دشوار در پیش دارند. جمهوری اسلامی هم با خون شهیدان ادامه مسیر داده است خصوصاً رهبر شهید و حاج قاسم ســـلیمانی که فرزندم علاقه زیادی به آنها داشت و ادامه همین مسیر به شهادتش منجر شد.


پدر و پسر شهید در کنار دو نفر از رزمندگان حشدالشعبی


مزار شهید در وادی‌السلام نجف

شـــهادت فرزندتان چه تأثیری بر اطرافیان و دوستان او گذاشت؟

فقدانش برای اطرافیان بســـیار ســـخت بود. همه گریه می‌کردند و از رفتن او ناراحت بودند، اما ما به انتخاب و راهی که فرزندمان برگزید، رضایت داریم. معتقدیم او راه درستی را انتخاب کرد و خداوند چنین ســـعادتی را نصیبش کرد. یکی از تأثیرات شهدا غبطه‌خوردن است. غبطه از اینکه ما از مسیر شهادت جا ماندیم. در همین غم شوقی هم وجود دارد. شوق اینکه خداوند شهادت را روزی کسی قرار داده است که با ما پیوند دوستی یا آشنایی داشته است و من این موضوع را در بین دوستان و بستگان می‌دیدم. به هر حال از دست دادن عزیز دشوار است اما چگونه از دست دادن او خیلی مهم است و چه افتخاری بالاتر از اینکه از دست رفتن جان در راه خداوند و برای خداوند باشد.

خودتان نیز ســـابقه حضور در میدان مبارزه داریـــد. از آن دوران و ارتباطتان با فرماندهان حشدالشعبی بگویید.

فرمانده حشدالشعبی، ابومهدی المهندس بود. من چند بار در مبارزه با داعش حضور داشتم و با او در ارتباط بودم. هر بار که مرا می‌دید، به من محبت می‌کرد و مرا می‌بوسید. خدا رحمتش کند ابومهدی را که در کنار حاج قاسم سلیمانی به شهادت رسید. ایشان یکی از مفاخر عراق هستند و همیشه در میدان نبرد حضور می‌یافتند و شهادت برازنده او بود. ما در آن دوران به ندای فرماندهان جبهه مقاومت، ابومهدی، حاج قاسم و سیدحسن نصرالله گوش می‌دادیم و با هدایت آنها موفق شدیم داعش را شکست دهیم.

در وصیتنامه شهید چه ســـفارش‌هایی وجود داشت؟

یکی از سفارش‌های مهم شـــهیدمان، مراقبت از مادرش بود. او به مادرش علاقه زیادی داشـــت و در وصیتنامه نیز بر نگهداری و مراقبت از او تأکید کرده بود. همســـرم نیز پس از دو سال به رحمت خدا رفت و اکنون در کنار فرزند شهیدمان آرام گرفته است. اگر به سیره شهدا نگاه کنیم متوجه می‌شویم آنها سیره مشخصی در زندگی داشتند. اهل ایمان، تقوا و عمل صالح بودند و زندگی ائمه خصوصاً امام شهیدان را الگوی خودشان قرار داده بودند و با حرکت در همان مسیر به زندگی شهیدانه دست پیدا کردند. این الگو از قیام عاشورا تا امروز ادامه دارد. همان الگویی که حاج قاســـم و ابومهدی المهندس از آن تبعیت کردند. همان الگویی که سیدشهیدان سیدحسن نصرالله از آن دنبال‌روی کرد. همان الگویی که امام شهیدان سیدعلی خامنه‌ای از آن دنباله‌روی کرد. الگوی شهادت قیام عاشورا است و همان توصیه‌های شهیدانه است که قیام علیه جبهه استکبار را زنده نگه می‌دارد.

در پایان، چه پیامی برای شیعیان و دوستداران اهل‌بیت (ع) دارید؟

سفارش من به شیعیان و دوستداران امیرالمؤمنین علی (ع) این است که پشـــتیبان ولایت فقیه و مراجع دینی، از جمله آیت‌الله سیســـتانی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای باشند و به رهنمودهای آنان توجه کنند. امروز می‌بینیم که در فلسطین، یمن، لبنان و عراق چه اتفاقاتی رخ داده است. معتقدم مسلمانان باید با هم متحد باشند و با پیروی از مراجع دینی، در مسیر حفظ اسلام و دفاع از ارزش‌های دینی حرکت کنند. تجربه‌های گذشته نشان داده است از دشمنان چیزی جز شرارت انتظار نیست. آنها از صدر اسلام تاکنون هر جا که فرصت پیدا کرده‌اند اهداف خود را به هر طریق ممکن دنبال کرده‌اند. بنابراین هوشیاری و بصیرت داشـــتن در این مســـیر باید مورد توجه همه دوستداران اهل‌بیت قرار گیرد. نظام سلطه از هر ابزاری خصوصاً ابزار رسانه بهره می‌برد تا به هدفش برســـد و جهان شاهد بود که نسل‌کشی آنها در غزه و مقابل چشم جهان اتفاق افتاد و دولت‌های مدعی حقوق بشر را رسوا کرد اما بیداری عمومی در جهان ایجاد کرد تا پی به اهداف شوم آنها ببرند. یکی از موضوع‌های مهمی که باید در جهان اسلام به آن توجه شود موضوع اتحاد اسلامی مقابل نظام سلطه است که باید مورد توجه قرار گیرد.

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۷۶۰

از راست به چپ

■ ۱- از بیانات امام خمینی درباره بسیج ■ ۲- از گل‌های باغچه‌ای- لباسی بلند و گشاد- توان ■ ۳- می‌روند تا به هدف بزنند- راهرو- دشمن موش ■ ۴- تصدیق فرانســـوی- یک حرف و سه حرف- بانگ نهیب- مهاجم استقلال تهران ■ ۵- یار دمنه- زبان‌بازی- معاون هیتلر ■ ۶- حنا- رشته کوه اروپایی- خدای یهود ■ ۷- یازده- با اهمیت- خمیازه- گلشـــن امروزی ■ ۸- شهری در فرانســـه- من در نامه‌نگاری رســـمی- جریب ■ ۹- مهار شتر- گهواره پارچه‌ای- مرغ سعادت- خط کش مهندســـی ■ ۱۰- صفت سیب‌زمینی- ســـلطان جنگل- کوهی در کرمانشاه ■ ۱۱- سر فوتبالی- قاضی ورزشی- از نفس‌های انسانی ■ ۱۲- همسایه عراق- حرف دهن‌کجی- دستی- سبکی در موسیقی ■ ۱۳- از بخشش کم نمی‌شود- داوطلب- میوه‌ای قهوه‌ای رنگ ■ ۱۴- وقت و هنگام- فلکه شهری- قسمت اصلی ملودیک اپرا ■ ۱۵- کنایه از کالای دیگران بهتر از مال خودی به نظر آید

از بالا به پایین

■ ۱- کتاب ویکتور هوگو- کوشـــش فراوان ■ ۲- غذای ژاپنی- از نخســـت‌وزیران هند- کشـــویی فرهنگستان ■ ۳- واحد اندازه‌گیری- بخیه درشـــت- فلز ســـنگین- پرنده جاســـوس ■ ۴- اصل مطلب- لوح فشرده- جواب دلســـردکننده ■ ۵- ســـلام انگلیســـی- بخار دهان- گروگذارنده ملک ■ ۶- مروارید- مرغ آتش- دیروز عرب‌ها ■ ۷- شط- دانه خوشبو- تکرار حرفی- علم شعبده ■ ۸- محافظ انقلاب اسلامی- قلمه- نوعی شیرینی ■ ۹- سنگ نمک معدنی- پسوند شباهت- نیم‌تنه زنانه- پرستار و دایه ■ ۱۰- آخرین وعده عبادت پنجگانه- حضرت علی(ع) آن را بهترین امور برشمرده‌اند- نصف نغمه ■ ۱۱- شیون- صدای درشت و خشن- وفای به عهد ■ ۱۲- غلام زرخرید- کتاب کامو- بیزاری و تنفر ■ ۱۳- اشاره- گردوخاک- همراه ناله- زاویه هدفگیری برای توپ و خمپاره ■ ۱۴- باج و خراج- ایست قلبی- سرکرده اداره ■ ۱۵- صنعت جهانگردی- از تیم‌های فوتبال آرژانتین

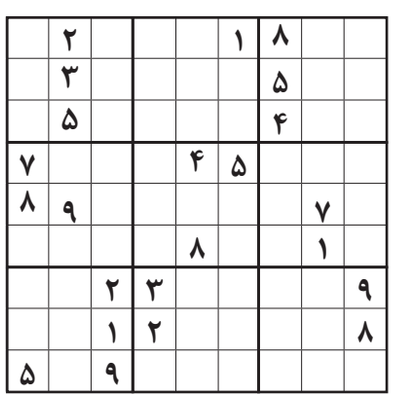

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۲				۱	۸		
	۳					۵		
	۵					۴		
۷				۴	۵			
۸	۹						۷	
				۸			۱	
		۲	۳					۹
		۱	۲					۸
۵		۹						

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۷۷۵۹



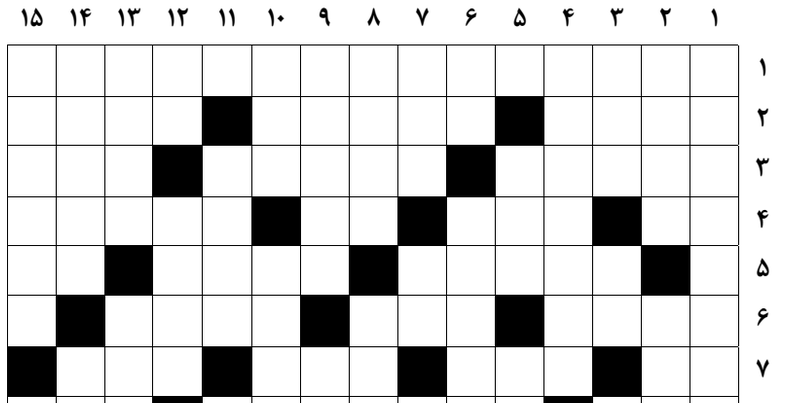

جدول